

خیلواکی



استقلال

[www.esteqlaal.net](http://www.esteqlaal.net)

جمعه ۱۵ نوامبر ۲۰۱۹

مرجان کمال

## تحریک طالبان

نویسنده: مرجان کمال به زبان فرانسوی  
مترجم: فریده نوری  
قسمت سی و ششم

آن سو مرو این سو بیا ای گلبن خندان من  
ای عقل عقل عقل من ای جان جان جان من



تداوم یا ثبات یک طرح (Schéma):

با این تعریف روبین (B. Rubin) تشکیل دولت افغان را به حیث یک دولت خارج از جامعه و محیط دوردور آن مشخص نکرده است، اما آن را حاصل یک عملیه خاص که از یک تعداد

شخصیت های سیاسی برگزیده شده اند، دانسته است، که این دستگاه دولتی با دیگر افشار جامعه در قطع روابط قرار دارد. در حقیقت دولت توانایی آن را ندارد که بودجه خود را از مالیات بر عایدات بسازد، فلذا وی را مجبور به وابسته بودن با شرکای بین المللی آن می سازد.

مؤلف روبین (B. Rubin) نشان می دهد که این وابستگی دولت با جوامع بین المللی، اثر گذار بالای مؤسسات و تشکیلات و جنبش های سیاسی که در مخالفت با دولت از سال 1960 میلادی قرار دارند نیز می باشد. به این ترتیب مؤلف ساختار های عمومی اقتدار را طوری ترسیم می کند که اجازه به مشخص نمودن عملکرد شخصیت های سیاسی که دولتی باشند و یا معترضین، می دهد.

ساختار های دولتی به شکل یک طرح مثلثی می باشند:

دولت، مخالفین، و دیگر قطعات جامعه.

فلذا دو بازیگر اولی که عبارت از دولت و مخالفین می باشند، می کوشند که خود را به حمایت گران خارجی شان نزدیک نمایند، و از قطعات مختلف جامعه که تهداب اجتماعی شان را تشکیل می دهد، خود را دور می سازند.

بعد از سال 1980 میلادی نتیجه طولانی ساختن این طرح در یک حالت درگیری های مسلحانه سبب ضعیف گردیدن ساختار های اقتدار محلات، و بالاخره به سقوط دولت مواجه شد.

نتیجه سقوط دولت افغان، سبب گرفتن اقتدار توسط طالب ها که یک جنبش کاملاً جدید بودند، گردیده و این اولین بار بود که اقتدار سیاسی به دست مذهبپون افتاد.

گرفتن اقتدار در کشور توسط یک گروه که قبلاً در حاشیه قرار داده شده بودند، تمام تحولات اجتماعی، سیاسی و اقتصادی که در زمان شاهی و یک اندازه در زمان کمونیست ها به راه انداخته شده بود، معکوس ساخت.

تحت رژیم های قبل الذکر کمک های مادی و نظامی خارجی اجازه داد که یک تعداد از نخبگان شهری از دنیای

دهات دور گردیده و سبب تشکیل یک نوع مؤسسات موازی تجددگرا گردیدند.

برعکس تحت رژیم طالبان کمک های خارجی سبب تقویه یک شبکه که تهداب اجتماعی شان را دهات و قصبات افغانستان و کمپ های پناهجویان در پاکستان تشکیل داده بود، گردید. که قبلاً تنها کنترل دهات را به دست داشتند، موفق شدند تا کنترل پایتخت کابل را به دست بیاورند.

گرفتن اقتدار توسط این گروه مذهبیون که یک ساختار نهفته بودند، یک پدیده مطلقاً نو تاریخی می باشد.

حمایت خارجی ها اولاً مجموع عملیه بود که می خواستند تنها یک «نقش ضعیف» در افغانستان از خود بجا بگذارند، چه مربوط به عملیات نظامی امریکایی ها تحت نام عملیات در چوکات «آزادی برگشت ناپذیر» یا آزادی همیشگی و دایمی «Liberté immuable» باشد و چه در مورد احیای مجدد حیات سیاسی که بالای آن در کنفرانس بُن موافقه به عمل آمده بود. این ها همه سبب برانگیختن عکس العمل و بسیج شدن تحریک طالبان به نام این که کشور توسط اردوی کافر اشغال گردیده است، شد.

تعریف اصطلاح «نقش ضعیف» «Light footprint» توسط لخر براهیمی (Lakhdar Brahimi) نماینده عمومی یا سکرتر جنرال برای ملل متحد، در رأس یک مأموریت ملل متحد برای افغانستان داده شد.

(United Nation Assistance Mission pour l'Afghanistan, UNAMA)، هنگامی که لخر براهیمی در باره مراحل مختلف کنفرانس بُن اظهار نظر می کرد، و این مراحل مختلف را با روی کار آمدن عنقریب یک دولت خود مختار بر حسب یک عملیه که در آن عزم و اراده مردم شامل می باشد، دانسته، نه مانند یک دولت که توسط خارجی ها تحمیل شده باشد.

عین مفهوم «نقش ضعیف» را در شروع برای ستراتیژی نظامی امریکا، و همچنان عین اصطلاح با یکجا شدن یک تعداد محدود اردوی زمینی ناتو که با یک تعداد متحدین محلی شان که از قومندان های مختلف اتحاد شمال تشکیل گردیده بود، داده شد. و به عین منطق قوای امنیت بین المللی برای حفاظت و امنیت افغانستان (International Security Force for Afghanistan, ISAF) نیز خلق گردید.

در هنگام مستقر شدن قوای بین المللی امنیت برای افغانستان در سال 2002 میلادی، فعالیت شان تنها محدود شده بود برای برقراری امنیت شهر کابل و حومه کابل و به مقصد حمایت نمودن از دولت مرکزی، که این قوا از هژده مملکت عضو ملل متحد تشکیل و تعداد شان به 4500 نفر بالغ می گردید.

این قوا برای اولین مرتبه و بعد از یک تصمیم که در سال 2003 میلادی گرفته شد، تعداد شان در تمام قلمرو کشور وسعت داده شد در سال 2004 میلادی 2000 نظامی برای گرفتن امنیت انتخابات به تعداد شان افزوده شد.

امروز برای ما چنین معلوم می شود که مردم روز به روز به طرف اغتشاشیون رو می آورند، زیرا شورشیان به نظر شان دارای قوت زیادتز می باشد و فکر می کنند که از حمایت آن ها برخوردار می گردند، مخصوصاً در مناطق که کوکنار کشت و تولید می شود.

در سال 2004 میلادی محو کشت کوکنار و حمایت از کشت بدیل در پروگرام ملل متحد کنجانیده شد، و برای این منظور مبلغ 490 میلیون دالر امریکایی برای سال های 2005 - 2006 میلادی، توسط دفتر ملل متحد برای مبارزه با مواد مخدر و جرایم ناشی از آن اختصاص داده شد.

Unites Nations office on Drugs and Crime : Mapping of Alternative )  
Livelihood Projects in Afghanistan (Kabul Ministry of Counter  
(Narcotics, UNODC, July 2005, 60p.

در نتیجه در سال 2006 میلادی در حدود 59 فیصد مساحت زمین برای کشت کوکنار افزوده شد و در حدود 49 فیصد در تولیدات آن افزایش به عمل آمد.

UNODC : The Opium Situation in Afghanistan : 2006 Annual Opium )  
Poppy Survey Summary of Findings Report (UNODC: Kabul,  
(September 2006- 30p.)

فساد گسترده و داشتن ارتباطات بین اقتدار دولتی و قاچاقبران مواد مخدر دلیل بزرگ ناکامی در این مجادله به شمار می رود. از جانب دیگر این مجادله برای محو کشت و تولید کوکنار باعث فقیر ساختن دهاقین و زارعین آسیب پذیر گردید.

نظر به مطالعات که در سال 2004 و 2005 میلادی در ننگرهار به عمل آمد، نشان دهنده این بود که مجادله علیه نابودی کوکنار سبب قرضداری های بزرگ نزد زارعین و دهاقین گردیده و تأثیر منفی بالای خود کفایی مواد غذایی مردم داشت، این غربت توسط عدم موجودیت مواد غذایی در چندین روز پی در پی در کانون خانواده ها و هم چنان عدم دسترسی به خدمات صحی هویدا گردید.

لاکن شورشیان با پخش نمودن شب نامه ها با زارعین و دهقانان ناراضی تماس برقرار می نمودند. این عدم رضایت زیاد تر متوجه جامعه بین المللی بوده زیرا جامعه بین المللی به وعده های خود وفا نکرده و یگانه منبع درآمد این طبقه فقیر را از بین بردند. و نیز این ناراضی به نمایندگان دولت که مَلک ها می باشد صدق می کند. زیرا در صورت که برای محو نمودن کشت کوکنار به

یک موافقه رسیده باشند، همین ملک ها هستند که نقش ارتباطی بین دولت و زارعین و دهقانان را اجرا نموده و خود را متضمن پرداخت غرامت و توان مادی می دانند. در صورت عدم رعایت پرداخت غرامت و یا نا کافی بودن آن، این ها نیز طرفدار اقتدار دولتی شناخته شده و مردم از آن ها رو می گردانند. (گفت و گو از مرجان کمال - نوامبر 2006 میلادی).

از سبب تبلیغات برای محو کشت و تولید کوکنار مخالفت ها بین مردم و قوای امنیتی پولیس افغان روز به روز زیاد می گردد، به دلیل این که شورشیان از زارعین از یک طرف تقاضا برای کشت و تولید کوکنار می کنند، و از طرف دیگر سهم گرفتن فعال شان را برای ناکامی و فرسودگی اقتدار دولتی تقاضا می نمایند. در مقابل به زارعین وعده حفاظت از جان و مال شان را می دهند. قومندان حاجی ملا یا حاجی آغا محمد در دیلی تلگراف (Daily Telegraph) چنین بیان داشت: «ما از امر رهبران خود اطاعت می کنیم، آن ها برای ما هدایت داده اند که از زارعین و دهقانان حفاظت کنید، طالبان حمایت گران مردم محلات می باشند، زیرا حمایت مردم، موفقیت دولت و نظامیان خارجی را در مقابل ما غیر ممکن می سازد».

تا تابستان 2006 میلادی سرکردگی سرکوب نمودن شورشیان را توسط قوت های ناتو در چوکات عملیات آزادی بی برگشت «Operation Enduring Freedom, OEF» امریکا اداره می نمود. از سال 2006 میلادی به بعد در این سرکوب نمودن قوای حمایت و امنیت برای افغانستان یا ایساف (ISAF) نیز اشتراک نموده و فرماندهی آن به ناتو سپرده شد.

بین سال های 2003 - 2006 میلادی چندین عملیات نظامی صورت گرفت که مهمترین آن در ولایت کنر در شمال - شرق بود، ولایاتی که به صورت منظم مورد حملات قرار می گرفتند در جنوب - شرق ولایات خوست، پکتیا و پکتیکا (Opération Anaconda)، و در جنوب ولایات قندهار، هلمند و ارزگان بودند. اکثریت این عملیات در حضور و اشتراک قوت های امنیتی افغان صورت می گرفت. و از طرف دیگر در بعضی از ولایات گروپ های مسلح که توسط یک قومندان محلی اداره می شوند که همانا ملیشه های اربکی هستند، تا حمایت و حفاظت مردم را در سطح محل نموده و مردم و محل را از حملات شورشیان حفاظت کنند.

این گروپ ها یا ساختار قومی و قبایلی دارند مانند ولایت هلمند و یا ساختار نژادی مانند ولایات دایکندی و ارزگان. و از طرف دیگر یک تعداد دیگر شبه نظامیان که دارای یونوفورم می باشند نیز وجود دارند، و از تجهیزات لوژیستیکی اردو و پولیس استفاده می کنند، وظیفه شان همراهی

نمودن قوای زمینی اردوی امریکا در عملیات های زمینی شان می باشد، مانند عملیات زمینی که در کنر، بعضاً در لغمان و در ننگرهار به عمل آمد. عملیات های نظامی اکثراً شامل عملیات های هوایی که بمباردمان شدید در یک محل و یا در یک ولسوالی بوده و باعث تلفات زیاد ملکی را می شود.

ادامه دارد